

زمان پیشنهادی: ۱۲ دقیقه

## آرایه‌های ادبی (آشنایی کلی)

### ۱- در کدام گزینه آرایه‌ی «اسلوب معادله» وجود دارد؟

- ۱) با سیه‌رویان بود عفو خدا را روی حرف / قابل اقبال نبود نامه را روی سفید
- ۲) یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد / به وداعی دل غم‌دیده‌ی ما شاد نکرد
- ۳) نیست دل آن دل که در او داغ نیست / لاله‌ی بی‌داغ در این باغ نیست
- ۴) روزها گر رفت، گو رو، باک نیست / تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست

### ۲- در کدام گزینه آرایه‌ی «متناقض‌نما» وجود ندارد؟

- ۱) سعدیا، نزدیک رای عاشقان / خلق مجنون‌اند و مجنون عاقل است
- ۲) خیال روی کسی در سر است هر کس را / مرا خیال کسی کز خیال بیرون است
- ۳) درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسّلام
- ۴) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست

### ۳- در کدام گزینه آرایه‌ی «حسن تعلیل» دیده‌می‌شود؟

- ۱) سلام دزد مگیر و متاع دیو مخواه / چراکه دوستی دشمنان زمکاری ست
- ۲) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا
- ۳) چوب را آب فرومی‌تبرد، حکمت چیست؟ / شرمش آید ز فرو بردن پرورده‌ی خویش
- ۴) بر ماجرای خسرو و شیرین قلم کشید / شوری که در میان من است و میان دوست

### ۴- در کدام گزینه آرایه‌ی «استعاره» دیده‌می‌شود؟

- ۱) مرا در خانه سروی هست کاندر سایه‌ی قدّش / فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم
- ۲) چنان آمد اسپ و قبا‌ی سوار / که گفתי سمن داشت اندر کنار
- ۳) یا قد تو است آنچه می‌دارد سرو / یا روی تو است آنچه می‌دارد گل
- ۴) دیدار تو حلّ مشکلات است / صبر از تو خلاف ممکنات است

### ۵- در بیت «زمین گشت روشن‌تر از آسمان / جهانی خروشان و آتش دمان» کدام واژه در معنای مجازی به کار رفته‌است؟

- |         |          |
|---------|----------|
| ۱) زمین | ۲) آسمان |
| ۳) جهان | ۴) آتش   |

### ۶- در تمام گزینه‌های زیر، به جز گزینه‌ی .....، واژه‌ای در معنای «مجازی» به کار رفته‌است.

- ۱) اگر سلاح داشت، اصلاً کسی او را سر زراعت نمی‌دید که به این مفتی مأمور بتواند بیاید و او را ببرد.
- ۲) نشیدی که چند روز پیش یک اتوبوس رو توی جاده لخت کردند؟
- ۳) یوسف را می‌بیند که عبای نازکی پوشیده و روی قالیچه جلوی آسیاب نشسته.
- ۴) ارباب آهن‌ها را از دست غلام باز کرد و یک پناه کوچک را به او نشان داد.

**۷- در کدام گزینه آرایه‌ی «تشبیه» وجود ندارد؟**

- ۱) عشق، دریایی کرانه‌ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند
- ۲) چه گفت آن سخن‌گوی با فر و هوش / چو خسرو شدی بندگی را بکوش
- ۳) گر خلوت ما را شبی از رخ بفروزی / چون صبح بر آفاق جهان سر بفرازم
- ۴) یا رب از ابر هدایت برسان بارانی / پیش‌تر ز آن که چو گردی ز میان برخیزم

**۸- در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی .....، «کنایه» وجود دارد.**

- ۱) تدبیر نیست جز سپر انداختن که خصم / سنگی به دست دارد و ما آبگینه‌ای
- ۲) امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان
- ۳) سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندانش گریان شدند
- ۴) یکی تازی‌ای بر نشسته سیاه / همی خاک نعلش بر آمد به ماه

**۹- در بیت «آهی روان به کشور بلقیس کرده‌ام / پیک صبا روانه‌ی شهر سبا ببین» کدام آرایه‌ها به کار رفته‌است؟**

(سراسری ۸۵ با اندرکی تغییر)

- |                              |                        |
|------------------------------|------------------------|
| ۱) تضاد، ایهام، اسلوب معادله | ۲) تشبیه، تناسب، تضمین |
| ۳) تلمیح، جناس، تشبیه        | ۴) تشخیص، تشبیه، ایهام |

(سراسری ۸۵)

**۱۰- در کدام بیت، آرایه‌های حس‌آمیزی، متناقض‌نما، اسلوب معادله و مراعات نظیر مشهود است؟**

- ۱) دو چشم باز نهاده نشسته‌ام همه شب / چو فرقدین و نگه می‌کنم ثریا را
- ۲) به‌جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی / چرا نظر نکنی یار سروبالا را
- ۳) حلاوت سخن تلخ را ز عاشق پرس / ز ماهیان بطلب طعم آب دریا را
- ۴) به دوستی که اگر زهر باشد از دستت / چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را

**پاسخ کلیدی**

- |       |       |        |       |
|-------|-------|--------|-------|
| ۱ (۴) | ۳ (۳) | ۳ (۲)  | ۱ (۱) |
| ۲ (۸) | ۲ (۷) | ۳ (۶)  | ۳ (۵) |
|       |       | ۳ (۱۰) | ۳ (۹) |

## پاسخ‌نامه‌ی آموزشی - تحلیلی

**۱- گزینه‌ی ۱** در بیت گزینه‌ی نخست، مصراع دوم را می‌توان مثال و مصداقی برای مصراع اول دانست؛ هم‌چنین دو مصراع به یکدیگر وابستگی دستوری ندارند و می‌توان جای آن‌ها را با هم عوض کرد. معنای بیت: هم‌چنان که طرف نوشته‌شده‌ی نامه مورد توجه است نه طرف سفید آن، توجه عفو خدا هم به نامه‌سیاهان و گناهکاران است نه کسانی که نامه‌ی اعمال سفید دارند!

در آرایه‌ی «اسلوب معادله»، شاعر در یک مصراع سخنی می‌گوید و در مصراع دیگر برای سخن خود **مثال و مصداق** می‌آورد ( شرط اصلی اسلوب معادله). دو مصراع از نظر دستوری نیز باید **مستقل** باشند؛ یعنی به هم وابستگی دستوری نداشته باشند (یکی پایه و دیگری پیرو نباشد) تا بتوان جای آن‌ها را عوض کرد.

در سه گزینه‌ی دیگر، هیچ یک از دو مصراع را نمی‌توان مثال و مصداق مصراع دیگر در نظر گرفت؛ بنابراین اولین شرط اسلوب معادله در این سه بیت برقرار نیست و شرط امکان جابه‌جایی مصراع‌ها بی‌ارزش است. به این نمونه هم توجه کنید:

### در کدام بیت «اسلوب معادله» به کار نرفته‌است؟ (سراسری ۸۲)

- ۱) در این بهار چنان روزگار افسرده است / که غیر شمع، گلی هیچ کس به سر نزند
- ۲) حسن بیان مجوی ز ما دل‌شکستگان / از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا درست
- ۳) بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود / پسته‌ی بی‌مغز چون لب وا کند رسوا شود
- ۴) لازم پیری است صائب، برگ‌ریزان حواس / پیش ره نتوان گرفتن لشکر بشکسته را

**پاسخ تست:** در گزینه‌ی نخست هیچ یک از مصراع‌ها مثال و مصداقی برای مصراع دیگر نیست؛ هم‌چنین شرط استقلال دستوری دو مصراع در این بیت برقرار نمی‌باشد، زیرا مصراع دوم پیرو مصراع اول است. معنای بیت گزینه‌ی دوم: همان‌طور که اگر به کاسه‌ی شکسته ضربه‌ای بزنند، صدا به خوبی از آن بلند نمی‌شود، از فرد دل‌شکسته نیز نمی‌توان انتظار خوش‌گویی و حسن بیان داشت. (مصراع دوم مثال و مصداقی برای مصراع اول است). معنای بیت گزینه‌ی چهارم: همان‌گونه که نمی‌توان جلوی عقب‌نشینی لشکر شکست‌خورده را گرفت، نمی‌توان از تنزل یافتن حواس هنگام پیری نیز جلوگیری کرد. (مصراع دوم مثال و مصداق مصراع اول است).

**۲- گزینه‌ی ۳** در گزینه‌ی نخست، «عاقل بودنِ مجنون» پدیدآورنده‌ی آرایه‌ی متناقض‌نما است؛ یعنی «عاقل بودن» به «مجنون» نسبت داده شده‌است (درحالی‌که این دو مفهوم، متضاد هستند). در گزینه‌ی دوم شاعر می‌گوید خیال کسی را در سر می‌پروراند که او در خیال نمی‌گنجد! می‌بینید که در این بیت نیز آرایه‌ی متناقض‌نما وجود دارد. در گزینه‌ی چهارم این مطلب که فقط «بی‌هوش» محرم «هوش» است، پدیدآورنده‌ی تناقض زیبایی است. قاعدتاً باید «باهوش» محرم و صاحب «هوش» باشد نه «بی‌هوش»! نمونه‌ای دیگر:

### در کدام بیت آرایه‌ی «متناقض‌نما» به کار نرفته است؟ (سراسری ۸۳)

- ۱) زلف آشفته‌ی او موجب جمعیت ماست / چون چنین است پس آشفته‌ترش باید کرد
- ۲) از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم
- ۳) زدیم در خم زلف گره‌گشای تو چنگ / که مفلسیم و نداریم هیچ دستاویز
- ۴) گفتیم که کفر زلفت گمراه عالم کرد / گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

**پاسخ تست:** در گزینه‌های اول و دوم، شاعر گیسوی پریشان یار را سبب آرامش و آسودگی خیال خود می‌داند. در بیت گزینه‌ی چهارم، «زلف یار»، شاعر را هم گمراه کرده‌است و هم راه را به او نشان داده‌است. (دو مفهوم متضاد گمراه کردن و راه نشان دادن به زلف یار نسبت داده شده‌است). *آخرین بر شما که گزینه‌ی سوم را انتخاب کردید.*

**۳- گزینه‌ی ۳** دلیل فروزرفتن چوب در آب، کم‌تر بودن جرم حجمی (چگالی) چوب نسبت به آب است؛ اما در گزینه‌ی سوم شاعر آب را پرورش‌دهنده‌ی چوب (درخت) می‌داند؛ بنابراین ادعا می‌کند که آب از فروبردن پرورده‌ی خویش (چوب) شرم دارد؛ همان‌طور که می‌بینیم، در این بیت برای موضوعی (فروزرفتن چوب در آب) علتی زیبا و **غیرواقعی** (شرم داشتن آب) ذکر شده‌است. در مصراع دوم گزینه‌ی نخست نیز دلیل ذکر شده‌است اما این دلیل به موضوع مطرح‌شده در مصراع اول مربوط است.

هرگاه شاعر برای موضوعی دلیلی شاعرانه و **غیرواقعی** ذکر کند، آرایه‌ی «حسن تعلیل» پدید می‌آید؛ منظور از غیرواقعی بودن، این است که دلیل ارائه‌شده، در عالم واقع، هیچ ارتباطی با موضوع نداشته باشد.

**۴- گزینه‌ی ۱** در گزینه‌ی نخست، «سرو» استعاره از «یار بلندبالا» است (استعاره‌ی مصرحه). اما در گزینه‌ی سوم سرو در معنای واقعی خود به کار رفته‌است.

اگر مشبّه‌به جای مشبه بنشیند، **استعاره‌ی مصرحه به وجود می‌آید** و اگر «مشبّه» به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های «مشبّه‌به» ذکر شود، آرایه‌ی **استعاره‌ی مکنیه** شکل می‌گیرد.

مثال: ز عشق آفاق را پردود دیدم / خرد را دیده خواب‌آلود دیدم

در این بیت، «دود» استعاره از «آه» است؛ زیرا هم‌چنان که آتش در خار و خاشاک می‌افتد و از آن دود برمی‌آورد، عشق و غم نیز در وجود انسان شعله می‌کشد و از نهاد او آه و ناله برمی‌آورد؛ پس شاعر در ذهن خود «آه» را به «دود» تشبیه کرده و به جای استفاده از «آه» که مشبّه می‌باشد، از «دود» (مشبّه‌به) استفاده کرده‌است ←

#### استعاره‌ی مصرحه

(البته در این بیت، یک ترکیب اضافی استعاری نیز داریم که درباره‌ی آن صحبت خواهیم کرد.)

**«دیده‌ی بخت به افسانه‌ی او شد در خواب / کو نسیمی ز عنایت که کند بیدارم»**

ترکیب، پدیدآورنده‌ی یک «**استعاره‌ی مکنیه**» است؛ زیرا شاعر در ذهن خود، «بخت» را به «انسان» تشبیه کرده‌است و آن‌گاه «دیده» را که از اجزای انسان است، با «بخت» همراه کرده و یک استعاره‌ی مکنیه پدید آورده‌است. (این استعاره‌ی مکنیه تشخیص هم هست.)

*استعاره‌ی مکنیه‌ای که به صورت مضاف و مضاف‌الیه بیان شود، «اضافه‌ی استعاری» نامیده می‌شود:*

**دیده‌ی بخت، شکفتن شعر (شعر به گل تشبیه‌شده)، بارش افکار، پرواز خیال (خیال به پرنده مانند شده)**

ستون‌های حکومت و...

حالا می‌توانید مشخص کنید که **استعاره‌ی مکنیه‌ی** موجود در مصراع «خرد را دیده خواب‌آلود دیدم» چیست. (راهنمایی: خرد را دیده = دیده‌ی خرد) و حالا به این تست پاسخ دهید:

### در کدام گزینه آرایه‌ی «استعاره» دیده نمی‌شود؟

(۱) هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ / از یمن دعای شب و ورد سحری بود  
 (۲) گرم صد لشکر از خوبان به قصد دل کمین سازند / بحمدالله و المینه بتی لشکرشکن دارم  
 (۳) دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی؟ / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی  
 (۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید / در رهگذار باد نگهبان لاله بود

**پاسخ:** در گزینه‌ی نخست، «گنج سعادت» اضافه‌ی تشبیه‌ی است؛ یعنی سعادت به گنج تشبیه شده‌است. (دلیل شباهت را خودتان پیدا کنید).

در گزینه‌ی دوم، استعاره‌ی مصرحه داریم: «بت» استعاره از «محبوب زیبارو» است که به دلیل همانندی به جای آن به کار رفته‌است. (دلیل شباهت: پرستش برانگیزی) در گزینه‌ی سوم، «زندان» و «چاه ظلمانی» استعاره‌ی مصرحه از دنیا و مادیات و تعلقات آن می‌باشد. هم‌چنین چون شاعر «دل» را صدا زده‌است، با تشخیص روبه‌رو هستیم و می‌دانیم که هر تشخیصی، نوعی استعاره‌ی مکنیه است.

در مصراع اول گزینه‌ی چهارم، با دو مورد استعاره‌ی مکنیه روبه‌رو هستیم: چه چیزی را می‌شود کاشت؟ بله، بذر و دانه را؛ پس شاعر در ذهن خود «مهر» را به «بذر و دانه» مانند کرده‌است، اما به جای آن که از «بذر و دانه» سخن به میان آورد یکی از ویژگی‌های آن (کاشتن) را به مهر نسبت داده‌است ← «مهر» استعاره‌ی مکنیه از «بذر و دانه» است.

ما از چه چیزی گل می‌چینیم؟ از بوته‌ی گل یا باغ؛ پس شاعر در ذهن خود، ..... را به ..... مانند کرده‌است، اما به جای ذکر .....، یکی از ویژگی‌های آن را (این که می‌توان از آن گل چید) به ..... نسبت داده‌است ← «خوبی» استعاره‌ی مکنیه از «بوته‌ی گل یا باغ» است ← گزینه‌ی اول را باید انتخاب می‌کردید.

### ۵- گزینه‌ی ۳

«جهان» در این بیت مجاز از «مردم جهان» است.

همان‌طور که می‌دانید، به کار رفتن واژه‌ای به جای واژه‌ی دیگر به‌طوری‌که میان این دو واژه در خارج از کلام رابطه‌ای برقرار باشد، «مجاز» نام دارد. رایج‌ترین رابطه‌های مجاز عبارتند از:

- |                   |                   |
|-------------------|-------------------|
| (۱) جایگاهی       | (۲) کل به جای جزء |
| (۳) جزء به جای کل | (۴) وسیله‌ای      |
| (۵) هم‌جنسی       |                   |

در تست‌ها و تمرین‌ها، برای آن که «مجاز» را در کلام پیدا کنید، نخست به دنبال اسمی بگردید که در معنایی غیر از معنای حقیقی و معمولش (به‌جای اسمی دیگر) به کار رفته‌باشد. آن‌گاه به رابطه‌ی میان دو واژه دقت کنید؛ اگر این رابطه از نوع همانندی بود، بحث استعاره‌ی مصرحه مطرح می‌شود و اگر از نوع همانندی نبود، ما آن را در بحث «مجاز» مطرح می‌کنیم؛ پس برای رسیدن به پاسخ مجاز، لازم نیست که حتماً به رابطه‌ی میان دو واژه پی ببرید بلکه فقط کافی است مطمئن شوید رابطه‌ی میان دو واژه (معنای حقیقی و معنای مجازی) از نوع شباهت نیست تا مجاز با استعاره اشتباه گرفته‌نشود.

**۶- گزینه‌ی ۳**

در گزینه‌ی نخست، «زراعت» مجاز از زمین زمین زراعی است. در گزینه‌ی دوم، «اتوبوس» مجاز از «مسافران اتوبوس» و در گزینه‌ی چهارم، «آهن» مجاز از زنجیر (یا دست‌بند) است. روابط مجاز را خودتان مشخص کنید. فرض کنیم که پی‌بردن به هر سه‌ی این موارد، کار سختی باشد؛ قبول، اما خودمانیم در **گزینه‌ی سوم** از کدام واژه می‌توان معنایی غیر از معنای حقیقی‌اش برداشت کرد؟

**۷- گزینه‌ی ۲**

در گزینه‌ی نخست، «عشق» به «دریایی بی‌انتهای» تشبیه شده‌است. در گزینه‌ی دوم «جو» به معنی **وقتی‌که** است و هیچ تشبیه‌ی در این بیت پدید نیامده‌است. در گزینه‌ی سوم، شاعر خود را به «صبح» مانند کرده‌است. البته در مصراع اول این بیت، یک استعاره‌ی مکنیه نیز دیده می‌شود. در این مصراع، خلوت شبانه‌ی شاعر را **رخ یار** فروزان و روشن کرده‌است؛ بنابراین در نظر شاعر، «رخ محبوب» به «خورشید» مانند شده‌است. در گزینه‌ی چهارم، «ابر هدایت» اضافه‌ی تشبیه‌ی است. (وجه شبه را خودتان بگویید.) هم‌چنین در مصراع دوم این بیت، شاعر خود را به «گرد» تشبیه کرده‌است.

**۸- گزینه‌ی ۲**

در گزینه‌ی نخست، «سپرانداختن» کنایه از «تسلیم‌شدن» است؛ هم‌چنین در این بیت، «سنگ به دست داشتن» و «آبگینه به دست داشتن» را به ترتیب می‌توان کنایه از «قوی و بی‌رحم بودن» و «ضعیف و شکننده بودن» دانست. در گزینه‌ی سوم، «بریان شدن» کنایه‌ای است از «ناراحت‌شدن و دل‌سوختن». در گزینه‌ی چهارم نیز «برآمدن خاک نعل به ماه» کنایه - و البته اغراق - از «حرکت سریع» می‌باشد.

**۹- گزینه‌ی ۳**

بهرتر است به این تست‌ها تا حد امکان با رد گزینه‌ها پاسخ دهیم، یعنی ابتدا به دنبال گزینه‌هایی باشیم که یکی از آرایه‌های مطرح‌شده در آن‌ها با قطعیت در بیت مورد نظر دیده نشود.

گزینه‌ی نخست با اسلوب معادله رد می‌شود و گزینه‌ی دوم با تضمین. حالا بین آرایه‌های گزینه‌های ۳ و ۴، کدام آرایه‌ها به راحتی در بیت تست پیدا می‌شود؟ بله، آرایه‌های گزینه‌ی سوم **تلمیح**: اشاره دارد به ماجرای عاشقانه‌ی میان حضرت سلیمان و بلقیس (ملکه‌ی سرزمین سبا) // **جناس**: میان «سبا- صبا» و «روان- روان» برقرار است. // **تشبیه**: «پیک صبا» اضافه‌ی تشبیه‌ی است که در آن باد صبا به پیک و قاصد مانند شده‌است.

**۱۰- گزینه‌ی ۳**

روش حل چنین تست‌هایی در کتاب همایش ادبیات (جلد اول) با نمونه‌های کافی آموزش داده شده‌است که بخشی از برنامه‌ی دوم تست‌های دوره‌ای است؛ پس فقط به پاسخ تست می‌پردازیم: **حسن آمیزی**: «حلاوت سخن» و «سخن تلخ» هر دو حسن آمیزی دارند. // متناقض‌نما: حلاوت (شیرینی) سخن تلخ // اسلوب معادله و مراعات نظیر بیت هم آشکار است.